



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

MEE  
MIDDLE EAST EYE

## نگرانی ایران از کریدور زنگرور

ایران احداث کریدور مد نظر آذربایجان در خاک ارمنستان را نقض توافقات مرزی خود می‌داند. پس از حمایت روس‌ها از احداث این کریدور، وزارت خارجه ایران سفیر روسیه در ایران را به وزارت خارجه «دعوت» کرد. یک منبع آگاه وزارت خارجه به میدل ایست‌آی گفت که «اما از واژه احضار در خصوص سفیر روسیه استفاده نکرده‌ایم اما در گفت‌وگوی صریحی که با او داشتیم این پیام واضح را برای مسکو ارسال کردیم که ناراضی هستیم و مواضع روسیه با مواضع ما در تضاد است.» کریدور زنگرور از استان سیونیک ارمنستان عبور می‌کند اما باکو تمایل دارد که کنترل کامل این کریدور را در اختیار خودش داشته باشد. ایران مخالف این ایده است و معتقد است که این کریدور، انگونه‌ای است برای آذربایجان می‌خواهد، مرزهای ایران و ارمنستان را تغییر خواهد داد. ایده احداث زنگرور زمانی به وجود آمد که آذربایجان در جنگ سال ۲۰۲۰ با ارمنستان به پیروزی رسید و کنترل منطقه قره‌باغ را در اختیار گرفت. پیروزی آذربایجان در این جنگ به‌طور قابل توجهی داینامیک ژئوپلیتیکی در مرزهای شمالی ایران را تغییر داد. سی سال بود که منطقه کوهستانی قره‌باغ تحت کنترل ارمنستان بود اما در نهایت آذربایجان با کمک تسلیحاتی ترکیه و اسرائیل در سال ۲۰۲۰ این منطقه را در اختیار گرفت. این تغییر موازنه قوا در قفقاز ایران را تحت تاثیر قرار داد و جلا دفاع روسیه از موضع آذربایجان در قبال زنگرور، ایران را ناگوار کرده است. این تحولات در حالی صورت می‌گیرد که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران قرار است در تاریخ ۲۲ اکتبر در اجلاس بریکس در کازان روسیه شرکت کند و دیداری نیز با ولادیمیر پوتین داشته باشد. در تهران عقیده بر این است که در این نشست همکاری‌های بین مسکو و تهران تقویت خواهد شد. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا هفته گذشته اعلام کرد که روسیه صدها موشک بالستیک از ایران تحویل گرفته است و قصد دارد از آنها علیه اوکراین استفاده کند. یک منبع وزارت خارجه به میدل ایست‌آی گفته است که احتمالاً دیدار پزشکیان و پوتین دیدار گرمی خواهد بود. او گفت: «از آنجایی که این نخستین دیدار بین دو طرف است بنابراین انتظار می‌رود به جای تمرکز بر اختلافات، بیشتر بر روی موافقتنامه‌ها تاکید شود. ما نمی‌خواهیم روابطمان با روسیه آسیب ببیند و به همین دلیل است که ما به دقت این روابط را مدیریت می‌کنیم. گاهی ما درخواست آنها را قبول می‌کنیم و گاهی هم قبول نمی‌کنیم. برای مثال به‌رغم اصرار مسکو، تهران در سازمان‌های بین‌المللی هرگز استقلال ابخازیا و اوستیا را به رسمیت نشناخته است.» این منبع در خصوص موضوع کریدور زنگرور نیز گفت: «همانطور که رهبر انقلاب تاکید کردند، مرزهای ما با ارمنستان نباید تغییر کند و هر کریدوری که موجب تغییر مرزها شود، ما اقدام خواهیم کرد. ارتش ما در صورت هرگونه تلاشی برای تغییر مرزهای ایران با ارمنستان، وارد عمل خواهد شد. توانایی‌های ما در قفقاز فراتر از تصور است. ما حضور تاریخی و فرهنگی در این منطقه داریم. این منطقه، منطقه ما است.» ایران در قرن نوزدهم میلادی و پس از چند جنگ با روسیه، کنترل بر روی این منطقه و کشورهای نظیر آذربایجان، گرجستان، داغستان و ارمنستان را از دست داد. روابط بین ایران و آذربایجان اغلب فرازونشیب داشته است و روابط نزدیک باکو با اسرائیل یکی از مهمترین موانع گرم‌شدن روابط ایران و آذربایجان است. علاوه بر این ایران اعلام کرده که برای مدت سه سال گذشته، مسیری از درون خاک خود را در اختیار باکو گذاشته تا ارتباط آذربایجان و نخجوان برقرار شود. ایران از احداث مسیر مواصلاتی حمایت می‌کند اما تاکیدش این است که این مسیر نباید یکپارچگی سرزمینی و تمامیت ارضی کشورها را نقض کند و در عین حال باید حافظ منافع همه کشورهای منطقه باشد. این ایده، با ایده «گذرگاه صلح» ارمنستان منطبق است. ایران پیشنهاد جایگزینی به جای زنگرور دارد. ایران معتقد است که کریدور ارس می‌تواند بازسازی شود و مسیر بین آذربایجان و نخجوان را وصل کند. ایران معتقد است که با بازسازی این کریدور، هم آذربایجان و هم افغانستان می‌توانند از این مسیر استفاده کنند. این کریدور می‌تواند بخشی از گذرگاه شرق به غرب یا کریدور میانی باشد که از روسیه و چین آغاز شده و با گذر از آسیای مرکزی، قفقاز، ایران و ترکیه از سمت شرق اروپا وارد قاره سبز می‌شود.



آنتارک، رضاشاه، ژنرال قهرالدین آتای و عصمت ایزو، آتای در جریان سفر رضاشاه به ترکیه حکم اختلاف مرزی ایران و افغانستان بود

تاریخ  
دیپلماسی

## قراردادهای مرزی ایران و افغانستان و نقش انگلیس و ترکیه در ترسیم آن

# نقشه انگلیسی

کرده بودند. با این حال امان‌الله خان تفاوت بزرگی پدرانش داشت. او با حذف نام امیر از عنوانش که عنوانی مذهبی قلمداد می‌شود و به تبعیت ظاهری و مذهبی امیر افغانستان از خلیفه عثمانی اشاره داشت، خود را شاه معرفی کرد و تلاش کرد اصلاحاتی سکولار را در افغانستان سنتی و قبیله‌ای رقم بزند که البته با واکنش تند جامعه افغانستان و خلع او از سلطنت ناکام ماند. رضاشاه نیز تحت تاثیر روشنفکران اطرافش اصلاحات مشابهی را در ایران آغاز کرد اما در زمینه افراط در ضدیت با حجاب و ظاهر مذهبی بیش از همه تحت تاثیر امان‌الله خان و سپس آنتارک قرار گرفت. در واقع رضاشاه بر خلاف قول مشهور نخستین بار با دیدن خانواده امان‌الله خان که از سفر اروپا برگشته بودند و در تهران توقیفی داشتند با زنان بی‌حجاب این خانواده روبه‌رو شد و توسط علی اکبر داور به عقب‌نماندن از کشور همسایه افغانستان تشویق شد و سفر ترکیه و حضور نزدیک یک ماه در این کشور متجدد این تمایل را افزایش داد و به فرمان کشف حجاب منجر شد. اما آنچه روابط ایران و افغانستان را از همان عصر تحت الشعاع قرار می‌داد موضوع مرز و آب بود. رضاشاه و امان‌الله خان در سال‌های اولیه سلطنت خود، در تلاش برای تثبیت موقعیت خود، ترجیح دادند رسیدگی به اختلافات اساسی خود در مرزها را که میراثی از گذشته بود، به زمان دیگری موکول کنند و با یکدیگر روابط حسنه داشته باشند. به این ترتیب امان‌الله خان در بازگشت از سفر اروپایی خود میهمان رضاشاه بود و از بسیاری از نهادهای فرهنگی و مردم ایران دیدن کرد. در اواخر قرن نوزدهم تغییر مسیر هیرمند باعث بروز اختلافات جدیدی شد و این اختلافات در سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۳ در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه به دلیل کمبود آب شدت گرفت که در نتیجه دولت ایران بار دیگر از دولت انگلیس مستقر در این زمینه درخواست داوری کرد. در ماده ششم معاهده صلح در سال ۱۹۰۳، سرهنگ مک ماهون به‌عنوان حکم تعیین شد. ایران و افغانستان هر دو شرط کردند که نظر گلداسمید در تصمیم مک ماهون رعایت شود در غیر این صورت داوری را نمی‌پذیرند. مک ماهون در زمستان ۱۹۰۶ رای خود را صادر کرد که از رودخانه هیرمند تا بند کمال خان دوسوم آب را به افغانستان و یک‌سوم را به ایران داد و به دولت‌های ایران و افغانستان اجازه داد از نهرهای موجود و آبراهه‌ها استفاده کنند. احیاء نهرهای متروکه و احداث نهرهای جدید در صورتی که میزان آب مورد نیاز برای آبیاری اراضی هر یک از دو

از ایران نیز به حکمیت میان ایران و حاکم کلات پرداخته بود، صورت گرفت. ایران در معاهده پاریس متعهد شده بود که در اختلافاتش با افغانستان به حکمیت انگلیس گردن بگذارد و زمانی که دوران کم‌آبی و خشکسالی اواخر قاجار روی داد موضوع آب هیرمند و دسترسی مردم سیستان به آن منشأ اختلاف میان ایران و افغانستان شد.

### اختلاف بر سر آب هیرمند و فتنه انگلیسی

در زمان کم‌آبی همواره بین ایرانیان و افغانستانی‌های ساکن حوضه رودخانه هیرمند اختلاف و درگیری رخ می‌دهد و این اختلافات و منازعات و اختلافات مرزی، دولت ایران را وادار کرد که براساس ماده ششم معاهده صلح پاریس در سال ۱۸۵۷ مسئله تقسیم آب هیرمند و تعیین مرزها را به دولت بریتانیا ارجاع دهد. این قرارداد دولت ایران را متعهد کرده بود که تمامی اختلافات خود با دولت افغانستان را به داوری بریتانیا ارجاع دهد و دولت انگلیس نیز متعهد شده بود که این اختلافات را طبق قانون و با در نظر گرفتن شأن دولت ایران حل و فصل کند. بنابراین وزارت امور خارجه انگلستان ژنرال گلداسمید را به عنوان مأمور این کار منصوب کرد. جنرال اسمیت رای داوری خود را در سال ۱۸۷۲ در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه صادر کرد. این رای که در سال بعد توسط دولت‌های ایران و افغانستان پذیرفته شد، همه مربوط به تعیین مرز بود. فقط در جمله آخر مقرر شده بود که هیچ‌یک از طرفین اقدامی که باعث کسر آب لازم برای آبیاری سواحل هیرمند شود، انجام ندهند. اما بنا به درخواست دولت افغانستان، وزیر امور خارجه بریتانیا با نظر ژنرال گلداسمید، قرارداد داوری را به گونه‌ای تفسیر کرد که شامل کانال‌های فعلی یا قدیمی بلااستفاده‌ای که دولت افغانستان قصد تعمیر آن را داشت، نمی‌شود. این جمله به معنای جلوگیری از حفر کانال‌های جدید نبود، در صورتی که از میزان آب مورد نیاز برای تولید مشروب در قسمت ایرانی کسر نشود. خلاصه قضاوت گلداسمید این بود که هم ایران و هم افغانستان باید یکسان از آب هیرمند برخوردار شوند و اگر افغانستان نهرهایی را که از این رودخانه منشعب می‌شود آباد کند، نباید به ضرر قباچه ایران باشد.

پس از پایان جنگ جهانی اول امان‌الله خان در افغانستان و رضاشاه در ایران با فاصله کمی از یکدیگر به قدرت رسیدند. بر خلاف رضاشاه که خود قدرت را به دست گرفت و مؤسس سلسله تازه‌ای شد امان‌الله خان از خاندان بارکزی بود که قرن‌ها بر افغانستان حکومت

### داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی



ایران و افغانستان همواره روابط تاریخی، فرهنگی و زبانی داشته‌اند، اما روابط سیاسی این دو کشور در گرو نقش و حضور بازیگران جهانی و منطقه‌ای بوده است. ایران و افغانستان دو کشور با تاریخ مشترک زمینه‌های زیادی برای نزدیکی و گسترش روابط داشته‌اند. هنوز قدرت‌های بزرگ جهانی وجود داشتند که همواره تلاش می‌کردند از گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور جلوگیری کنند، اما علاقه و تمایل افغانستان و ایران موجب تداوم و گسترش روابط ویژه فرهنگی با ایران شد. مرزهای طولانی مشترک و تاریخ و فرهنگ مشترک به‌ویژه حفظ و گسترش زبان و ادبیات فارسی زمینه‌های نزدیکی روابط دو کشور شد. اما زمینه‌های اختلاف هم کم نبود که پس از خلع امان‌الله خان از سلطنت در دوره جانشینان او خود را نشان داد. نطفه این اختلافات توسط انگلیسی‌ها و در تعیین حدود مرزی کاشته شده بود. افغانستان و ایران با داشتن حدود ۹۷۸ کیلومتر مرز مشترک از جمله سرزمین‌هایی هستند که روابط فرهنگی و تاریخی ناگسستنی دارند. خراسان، نامی که امروز هم بر ایران و هم بر افغانستان اطلاق می‌شود، در واقع بخشی از ایران تاریخی و فرهنگی بوده که اکنون با مرز ایران و افغانستان از هم جدا شده است. در قرن هجدهم و نوزدهم پس از میلاد به دنبال سیاست‌های بریتانیا برای ایجاد کشوری حائل میان ایران و مستعمره هند بریتانیا، مرز بین دو کشور توسط انگلیسی‌ها ترسیم شد که درگیری و جنگ همراه بود. در قرن هجدهم رقابت‌های استعماری میان روسیه و انگلیس در آسیای مرکزی که بازی بزرگ خوانده می‌شد بالا گرفته بود و روسیه با پیشروی در آسیای مرکزی و انعقاد قرارداد آخال با ایران و تصرف خانات آسیای مرکزی، به مرزهای شمال افغانستان رسیده بود و بریتانیا نیز که از گذشته بیم این اتفاق را داشت پیشتر با تحمیل معاهده پاریس به ایران موجبات جدایی هرات و شمال غربی افغانستان کنونی از ایران را فراهم کرده بود و به نوعی خاندان بارکزی با حمایت بریتانیا قدرت را در افغانستان در دست داشتند و تثبیت مرزها در دوره قاجار به‌طور کامل صورت نگرفت. تعیین حدود مرزی در دوره ناصرالدین‌شاه و با حکمیت گلداسمید که در جدایی بلوچستان شرقی